

مشروطه را روشن می‌کند و گاهی در قامت جمهوریت، جرقه‌های اولیه ایده پیشرفت اسلامی ایرانی (عمدتاً از دهه هشتاد شمسی) را در تقابل با الگوی توسعه سرمایه‌داری غربی برمی‌انگیزد.

با وجود این صورت‌بندی، به احتمال این پرسش قابل طرح باشد که اگر نمایندگی جمهور ناظر به یک نظم سیاسی خاص می‌شود، پس فراگفتار جمهوری حقیقی چه خواهد شد؟ به تعبیر دیگر، نظم سیاسی مطلوب اگر قرار باشد به یک قلمرو جغرافیایی یا فرهنگی خاص محدود نشود و امکان گفت‌وگو برای بهترین نظم سیاسی ممکن در سطح حیات سیاسی بشری مهیا شود، چطور می‌توان از نظم سیاسی ناظر به یک جمهوری خاص با نظم مبتنی بر جمهوریت در معنای عام آن دست یافت؟ به تعبیر دیگر، چگونه می‌توان عام‌ترین معنا از نظم و عدالت را محقق ساخت و در قلمروهای محصور دولت‌ملت یا کشور محدود نماند؟ اگر «حقیقتی که نماینده جمهوری نمایندگی می‌کند در تعارض با حقیقت دیگری قرار گیرد که از طرف جامعه‌ای دیگر نمایندگی می‌شود» چه باید کرد؟ این پرسش‌ها به ایده‌ای دیگری منجر خواهد شد که ایده نمایندگی وجودی را تکمیل می‌کند و آن، ایده نمایندگی حقیقت است. در اینجا گفت‌وگو بر سر ماهیت حقیقتی که هر نظم سیاسی مدعی آن است، می‌تواند مورد گفت‌وگو قرار گیرد که تأمل درباره آن به فرصتی دیگر نیازمند است. این موضوع می‌تواند پرتوی جدید بر مطالعات تاریخی ایران در دوره معاصر در مواجهه با نظام حقیقت جمهوری‌های غربی بیفکند.



#### منابع

شقیعی، محمود، اندیشه سیاسی سیدمرتضی علم‌الهدی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.  
فولکلین، اریک، دانش نوین سیاست، ترجمه محمد صبوری، پارسه، ۱۴۰۰.  
Milbank, John (۲۰۱۳) Beyond Secular Order: The Representation of Being and the Representation of the People, UK, Wiley Blackwell